

تحلیل کارکرد نمادهای جانوری در ضربالمثل‌های فارسی با تکیه بر داستان‌نامه بهمنیاری

علیرضا حاجیان‌نژاد^{۱*} سیده مژگان بهزادیان^۲

(دریافت: ۱۳۹۸/۷/۶ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۳)

چکیده

ضربالمثل‌ها با آنکه ساختاری روان و معنایی روشن و قابل فهم دارند، ولی گاه بهره‌گیری از برخی عناصر بلاغی علاوه بر اینکه ضربالمثل‌ها را زیباتر و مؤثرتر کرده به مفاهیم آن‌ها عمق و ژرفابخشیده و آن‌ها را قابل تأمل‌تر کرده است. یکی از این عناصر نماد است. در این مقاله به وانمایی نقش نمادین حیوانات در ضربالمثل‌ها پرداخته می‌شود. هدف از این پژوهش، تحلیل کیفیت و کمیت بهره‌گیری از نمادهای جانوری در ضربالمثل‌های کتاب داستان‌نامه بهمنیاری است و مسئله آن اینکه از نمادهای جانوری در ساخت ضربالمثل‌ها چقدر بهره گرفته شده است. بدنه اصلی مقاله را ارائه نمودارهای آماری و تحلیل نمونه‌هایی از ضربالمثل‌ها تشکیل می‌دهد که در آن‌ها نام حیوانات گوناگون در زیرگروه‌های حیوانات اهلی، حیوانات غیراهلی، پرندگان و حشرات ذکر شده است. پژوهش حاضر کتابخانه‌ای است و به شیوه توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از روش‌های آماری با مطالعه ۶۰۴۷ ضربالمثل از کتاب بهمنیاری به انجام رسیده و در پایان این نتیجه حاصل شده است که از نظر کمی بهره‌گیری از نمادهای جانوری مربوط به حیوانات اهلی با ۴۸/۶ درصد بیشترین و پرندگان با ۷/۸ درصد کمترین بسامد را داشته‌اند و نیز از دلایل روی آوردن به کاربرد نمادهای جانوری در

۱. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول).

*hajiannjd@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران.

ضربالمثل‌ها می‌توان به عینیت بخشیدن و ملموس کردن مفاهیم انتزاعی، جذابیت ضربالمثل‌ها، ایجاز کلام و پرهیز از صراحت لهجه و تلطیف مفاهیم نیش‌دار، اشاره کرد.

واژه‌های کلیدی: ضربالمثل، نماد، داستان‌نامه بهمنیاری، نماد جانوری.

۱. مقدمه

یکی از مهم‌ترین شاخه‌های ادبیات شفاهی ضربالمثل است که ضمن آن معانی عمیق و مفصل که معمولاً حاوی مضمونی اخلاقی و اجتماعی است به صورتی مؤجز، روان و روشن به مخاطب القا می‌شود. «ضربالمثل عموماً ساختار محکم و روان، معنای کنایی و کاربرد عام دارد؛ یا به عبارت دقیق‌تر، به سبب روانی لفظ و روشی معنی و لطف‌تر کریب، قبول عام یافته است» (شریفی، ۱۳۹۵: ۵۹۱).

با آنکه ضربالمثل‌ها در بیشتر موارد معنی روشی دارند؛ ولی از جنبه ادبی بی‌بهره نیستند. تکرار کاربرد کنایی و استعاری بعضی پدیده‌ها، اشیا و القای مفاهیمی خاص در بهره‌گیری از آن‌ها سبب شکل‌گیری معانی نمادین آن‌ها می‌شود؛ به شیوه‌ای که آن پدیده‌ها معانی دیگری غیر از معنای اصلی خود را به ذهن مخاطب القا می‌کنند و این همان چیزی است که به آن «نماد» می‌گوییم. «در زبان‌شناسی بیشتر نماد را نشانه‌ای دانسته‌اند که به موضوع از راه قراردادی یا قانون و قاعده‌های محکم و از راه همبستگی با ایده‌هایی کلی وابسته شود» (احمدی، ۱۳۷۱: ۴۱).

از نماد^۱ تعاریف گوناگون و تقسیم‌بندی‌های متعدد ارائه شده است؛ ولی این تعریف به مفهوم موردنظر ما نزدیک‌تر است که می‌گوید: «آنچه را که ما سمبول می‌نامیم عبارت است از: یک اصطلاح، یک نام و حتی یک تصویری که ممکن است نماینده‌شیء یا چیزی در زندگی روزانه باشد و با این حال علاوه بر معنی آشکار و معمولی خود معانی تلویحی به خصوص نیز داشته باشد» (یونگ، ۱۳۵۲: ۳۳).

براہنی سمبول‌ها را به سمبول‌های قراردادی که ساخته و پرداخته ذهن گذشتگان است و طی قرن‌ها قسمتی از فرهنگ و شعر و تمدن ما را تشکیل می‌دهد و نوع دوم سمبول‌هایی که مخلوق ذهن شاعرند تقسیم کرده است (براہنی، ۱۳۸۰/۱: ۱۲۱ – ۱۲۲).

تحلیل کارکرد نمادهای جانوری در ضربالمثل‌های فارسی... علیرضا حاجیان‌نژاد و همکار

در این پژوهش، ما به نمادها و سمبل‌هایی از نوع اول سروکار داریم؛ یعنی آن‌ها که طی قرن‌ها جزوی از فرهنگ فارسی‌زبانان شده و در ساختار ضربالمثل‌ها جای گرفته است.

فتوحی به نقل از فرهنگ‌نامه ادبی در یک طبقه‌بندی به چهار دسته از نمادها اشاره می‌کند که از میان آن‌ها «نمادهای استعاری» با مفهوم موردنظر ما از نماد در ضربالمثل‌ها تطابق بیشتری دارد. «نماد استعاری^۲» که هم دلالتگر است، هم صورتی طبیعی به همراه دارد؛ مثل روباه که می‌تواند به صورت استعاره بر شخص مکار و حیله‌گر دلالت کند» (فتوحی، ۱۳۸۵: ۱۸۹).

در ضربالمثل‌های فارسی گاهی شخصیت نمادین جانوران همراه با موقعیت زیستی و واکنش‌های طبیعی جلوه کرده و گوینده در القای مفاهیم موردنظر خطاب به مخاطب ضربالمثل از این بیان نمادین بهره گرفته است.

جانوران، همواره به عنوان نمادهای ناخودآگاهی جمعی و هم به عنوان نمادهای قراردادی، اقلیمی و گاه شخصی، نقش‌های متفاوت طبقات و گروههای انسانی را به عهده گرفته‌اند و حتی در نقش‌های مجازی خود در آثار هنری و ادبیات بسیاری از کشورها، تثیت و جاودان شده‌اند (سلامجه، ۱۳۹۰: ۱۲۲).

بسیاری از ضربالمثل‌های فارسی ساخته و پرداخته مردم کوچه و بازار است و تعامل نزدیک آنان با جانوران اهلی و خانگی و پندار و تلقی آنان از جانوران اهلی و وحشی و عقاید آنان نسبت به منش و رفتار حیوانات گوناگون نوعی تلقی نمادین را از جانوران در ذهن و زبان مردم رقم زده که در ضربالمثل‌ها نمود پیدا کرده است. «فابل»‌ها یا همان حکایاتی که مردم درباره برخی حیوانات نقل می‌کنند در شکل‌گیری بعضی ضربالمثل‌ها مؤثر است. «گاهی حکایت آنقدر کوتاه است که همچون ضربالمثل به نظر می‌آید و در اصل ضربالمثل شده است مانند حکایت زاغی که خواست راه رفتن کبک را بیاموزد و راه رفتن خود را فراموش کرد» (تقوی، ۱۳۷۶: ۸۸).

۱-۱. بیان مسئله

ضربالمثل اگرچه به سبب رواج در میان مردم کوچه و بازار باید زبانی صريح و روشن داشته باشد؛ ولی همیشه این گونه نیست و گاه بیان غیرمستقیم با به کارگیری آرایه‌هایی

چون کنایه، مجاز، استعاره و نماد به ضربالمثال‌های فارسی جنبه ادبی و عمق و ژرفای بیشتری بخشیده و بر قدرت تأثیرگذاری آن افزوده است.

به نظر می‌رسد بهره‌گیری از نمادها به‌ویژه از نوع نمادهای قراردادی یا عمومی^۳ که «در ادبیات ملل مختلف، گاه حتی در ادبیات جهان، معنایی مشخص، تثییت‌شده و قاموسی یافته‌اند» (حسن پور آلاشتی و آفتاب‌بایی رودباری، ۱۳۹۶: ۴۶) به ضربالمثال‌های فارسی عمق و قدرت تأثیرگذاری داده است و در تعداد قابل توجهی از مثل‌های فارسی این‌گونه نمادها به‌ویژه با بهره‌گیری از انواع جانوران به‌چشم می‌خورد.

مسئله پژوهش حاضر این است که کمیت و کیفیت بهره‌گیری از نماد جانوران در مثل‌های فارسی چگونه است؟ و با چه انگیزه‌ها و دلایلی از نمادهای جانوران در ضربالمثال‌های فارسی بهره گرفته شده است.

۱-۲. ضرورت و اهمیت تحقیق

توجه به ادبیات عامه به‌ویژه ضربالمثال‌ها که بیانگر روحیات اجتماعی و عقاید و افکار مردم کوچه و بازار است، می‌تواند در شناخت هرچه بیشتر اندیشه‌های اجتماعی ایرانیان موثر باشد. تعامل انسان‌ها با عناصر طبیعت به‌ویژه جانوران تلقی خاصی از منش و شخصیت نمادین جانوری را در ذهن و زبان مردم رقم می‌زند که در بیان اندیشه‌های اخلاقی و بروز نگاه اجتماعی آنان دست‌مایه تصویرسازی می‌شود. واکاوی انواع کاربرد نمادهای جانوری در ضربالمثال‌ها ما را با چگونگی تعامل فارسی‌زبانان با جانوران در طول تاریخ و در گستره جغرافیایی سرزمین ایران بیشتر آشنا می‌کند. پژوهش حاضر نیز شامل بررسی نمادین جانوران اساطیری و وهمی در کتاب داستان‌نامه بهمنیاری می‌شد که به‌دلیل رعایت اختصار از ارائه آن چشم می‌پوشیم.

۱-۳. روش تحقیق

شیوه اجرای این پژوهش توصیفی - تحلیلی است و با روش‌های آماری و ارائه نمودار با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای به‌ویژه با تکیه بر ضربالمثال‌های کتاب داستان‌نامه

تحلیل کارکرد نمادهای جانوری در ضربالمثل‌های فارسی... علیرضا حاجیان‌نژاد و همکار

بهمنیاری (بهمنیار، ۱۳۶۱) انجام می‌گیرد و تمامی مثال‌های ذکر شده از ضربالمثل‌های این کتاب با شماره ضربالمثل در مقابل آن انتخاب شده است.

۲. پیشینه تحقیق

در کتاب‌ها و مقالات فراوانی درباره نماد بحث شده است و پژوهشگران تقسیم‌بندی‌های گوناگونی از آن ارائه داده‌اند. در کتاب‌های مربوط به مکتب‌های ادبی به‌ویژه در بحث سمبولیسم به این مقوله پرداخته شده است؛ از آن جمله می‌توان به کتاب مکتب‌های ادبی (شمیسا، ۱۳۹۱) و بلاغت تصویر (فتوحی، ۱۳۸۵) اشاره کرد.

ذوق‌القاری علاوه بر پژوهشی جامع که در مقدمه فرهنگ بزرگ ضربالمثل‌های فارسی درباره ضربالمثل‌ها ارائه داده است، در بخش نمایه کلیدوازه‌ها و موضوعات شماره و تعداد کاربرد نام جانوران را هم در ضربالمثل‌ها ذکر کرده است که در پژوهش حاضر مورد استفاده قرار گرفت (ذوق‌القاری، ۱۳۹۲: ج ۱ و ۲).

تقوی هم در کتاب حکایت‌های حیوانات در ادب فارسی فابل‌ها را تا قرن دهم بررسی کرده است که در بازنمایی نگاه فارسی‌زبانان به ویژگی‌های حیوانات قابل توجه است (تقوی، ۱۳۷۶).

از مقالات گوناگون که به‌طور مستقیم به بحث نمادهای جانوری پرداخته‌اند، مقاله «جستاری در چگونگی کارکرد نمادهای جانوران در اشعار صائب تبریزی و بیدل دهلوی» (سلاجقه، ۱۳۹۰) و مقاله «نمادهای جانوری در متون عرفانی با تکیه بر آثار سنایی، عطار و مولوی» (رحیمی و دیگران، ۱۳۹۲) و مقاله «نمادشناسی حیوانات در کتاب طربالمجالس» (محمودی و الیاسی، ۱۳۹۶) به موضوع مقاله حاضر نزدیک‌تر است؛ ولی با توجه به جستجوهای گسترده نگارندگان، پژوهشی در موضوع مقاله حاضر که بهره‌گیری از نمادهای جانوران در ضربالمثل‌های فارسی را بررسی و تحلیل کرده باشد، موجود نبود.

۳. بحث

در بررسی نمادهای جانوران در ضربالمثل‌ها دو نکته حائز اهمیت است؛ یکی اینکه منظور از کاربرد نماد در ضربالمثل‌ها، نمادهای قراردادی و عمومی است که در طول

تاریخ زندگی یک ملت بهوسیله همه مردم ساخته و پرداخته شده است: مانند (مار) که در ذهن قوم ایران نماد گزندگی و آسیب‌رسانی و بدسرشته است در ضربالمثل‌هایی از این دست:

– مار پوست خود را می‌گذارد، اما خوی خود را نمی‌گذارد (۴۶۱۱).

و نمادهای شخصی و خصوصی که بهوسیله یک شاعر مشخص شاخته می‌شود و فقط در فضای شعر او قابل دریافت نمادین است در این مقوله جای نمی‌گیرد؛ مانند «کلاغ» که در این شعر شاملو

چرک مردگی پرجوش و جنجال کلاغان و
سپیدی دانه گوی برف...

در سفره تکانده بر مرز کرت تنها حادثه است (شاملو، ۱۳۷۸: ۱۰۰۰).

می‌تواند «نماد افراد پست و فرومايه و در عین حال یکه‌تاز میدان» (حسن‌لی و اکبری، ۱۳۸۶: ۸۰) باشد و ممکن است در دیگر آثار ادبی این مفهوم نمادین را به ذهن متبادر نکند.

نکته دیگر در بررسی نمادهای جانوران در ضربالمثل‌ها این است که باید توجه داشت حضور جانوران همواره در ضربالمثل‌ها، نمادین نیست. در نمونهٔ بعدی «خر» نماد نادانی و احمق بودن است:

– خر کجا ناموس تقوی از کجا (۲۱۸۸).

اما در نمونهٔ زیر «خر» به مثابهٔ نماد به کار نرفته است.

– خرش از پل گذشت دیگر کسی را نمی‌شناسد (۲۱۸۲)، یعنی مشکلش رفع شد به کسی اعتنا نمی‌کند.

در این پژوهش با یک بررسی دقیق آماری از میان تمامی ۶۰۴۷ ضربالمثل ذکر شده در کتاب داستان‌نامه بهمنیاری تعداد ۷۹۰ ضربالمثل که نام جانوران در آن‌ها به کار رفته است در چهار گروه ۱. حیوانات اهلی، ۲. حیوانات غیراهلی، ۳. پرندگان و ۴. حشرات تقسیم‌بندی شده و بسامد حیوانات هر گروه به‌طور مجزا مشخص شده است و نهایتاً ضربالمثل‌های موردنظر از دیدگاه نمادین بررسی و تحلیل شده است.

۳-۱. حیوانات اهلی

نام نه حیوان اهلی در ضربالمثل‌های کتاب بهمنیاری آمده است که به ترتیب بیشترین تعداد کاربرد آن‌ها عبارت‌اند از: خر، سگ، شتر، گاو، اسب، گربه، بُز، گوسفند و قاطر. نام این جانوران در مجموع ۴۳۱ بار در ضربالمثل‌ها به کار رفته و در ۲۱۳ مورد بیانگر تصویری نمادین از این جانوران است.

بسامد نام حیوانات اهلی از دیگر جانوران در پژوهش حاضر بیشتر است و این امر می‌تواند ناشی از برخورد مداوم و هم‌زیستی شبانه‌روزی جامعهٔ سنتی ایران با این جانوران باشد. بهره‌گیری مردم کوچه و بازار از این گونه جانوران و در معرض دید بودنشان موجب شده است که جایگاهی ثابت و پر تکرار در ضربالمثل‌های فارسی داشته باشند.

۳-۱-۱. خر / الاغ (نماد حماقت و حقارت)

واژهٔ خر / الاغ ۱۶۵ بار در ضربالمثل‌های کتاب بهمنیاری تکرار شده که دارای بیشترین بسامد در میان تمام جانوران است. از این تعداد در ۸۵ مورد از واژهٔ خر برای بیان تصویری نمادین استفاده شده است. در اغلب موارد خر نماد حماقت و نادانی است و مضرب مثل وقتی است که گوینده می‌خواهد ابله و احمقی کسی را به تصویر بکشد. بهره‌گیری از نماد «خر» در ضربالمثل‌های زیر به مفهوم انتزاعی نادانی، تجسمی ملموس و محسوس می‌بخشد.

* خر چه داند قیمت نقل و نبات ! (۲۱۵۳).

* یاسین به گوش خر می‌خواند (۵۹۳۰ و ۲۲۰۸).

در تعداد دیگری از مثل‌ها خر نماد حقارت و پستی است و منظور گوینده نسبت دادن فرمایگی و پستی به کسی است که دربارهٔ او سخن می‌گوید. در این گونه ضربالمثل‌ها گوینده با بهره‌گیری از نماد حیوانی مفاهیم گسترده و مشروح را مجزتر و البته مؤثرتر بیان می‌کند.

* طوق زرین همه در گردن خر می‌بینم (۴۰۲۴، ۳۶۵۴ و ۵۶۴۸).

چنین تصاویر نمادینی از خر در بیشتر فرهنگ‌های بشری به چشم می‌خورد. مؤلف کتاب فرهنگ سمبول‌ها، اساطیر و فولکلور این معانی سمبولیک را برای خر بر شمرده است: «بدتباری، برداری، بی‌ابدی، تواضع، پستی، حماقت، خدمت، خودسری، دشمنی، سخت‌کاری، فاقد شان و مقام، کینه‌توزی، لجاجت» (جایز، ۱۳۹۷: ۳۵).

همزیستی مداوم این حیوان با انسان به‌ویژه مردم کوچه و بازار سبب شده است که واژه خر دست‌مایه تصویرسازی‌های فراوان در مثل‌های فارسی شود، اگرچه ممکن است بیانگر نماد خاصی نباشد.

* خر عاریه را یکوری سوار می‌شوند (۲۱۸۷).

* به حرف ما نه خری و امی کنند نه خری می‌بنند (۸۸۲، ۲۱۸۲ و ۱۰۷۴).

۲-۱-۳. سگ (نماد پستی و پلیدی و اخلاق بد و گاهی وفاداری)

واژه سگ ۱۰۰ بار در ضرب‌المثل‌های کتاب بهمنیاری به کار رفته است و در ۵۹ مورد بیانگر تصویری نمادین است. سگ در بعضی مثل‌ها نماد نجس بودن، فرومایگی و پستی است و مورد استفاده آن وقتی است که می‌خواهند نهایت پستی و پلیدی را به کسی نسبت دهند. چنین نگاهی نسبت به سگ احتمالاً از فرهنگ دینی و اسلامی نشئت گرفته است. «در باورهای دینی (جز وندیداد) سگ از جانوران پلید است که باید از آن دامن برچید و فاصله گرفت، مگر اینکه آن را تعلیم دهند و زمام اختیار آن را در دست گیرند و به عنوان سگ چوبان یا نگهبان به خدمت انسان درآید» (رحمی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۵۴).

* سگ به دریای هفت‌گانه بشوی چون که تر شد پلیدتر گردد (۲۶۹۲، ۳۱۹۷ و ۳۴۵۷).

سگ گاهی نماد اخلاق بد و حال نامساعد است. در مثل‌های زیر چنین برداشتی از کاربرد واژه سگ می‌توان داشت. برداشتی که با بهره‌گیری از نماد که یک عنصر بلاعی است مؤثرتر و برجسته‌تر شده است.

* حال فاطی حال سگ (۱۹۲۷).

* پوست سگ به رویش کشیده (۱۳۳۵).

تحلیل کارکرد نمادهای جانوری در ضربالمثل‌های فارسی... علیرضا حاجیان‌نژاد و همکار

سگ همیشه نماد مفاهیم منفی نیست؛ بلکه وفاداری و نمکشناصی، مفاهیم مثبتی است که در بعضی تصاویر نمادین با واژه سگ ساخته می‌شود.

* سگ نمکشناص بهتر از آدم نمکشناص (۳۲۳۴).

* سگ از مردم مردم‌آزار به (۳۱۹۳، ۳۵۶۲ و ۱۰۵۶).

انس همیشگی و همزیستی سگ با انسان در طول تاریخ گاه از او چهره‌ای مثبت در اذهان مردم نقش کرده است. «سگ نماد وفاداری است و در این معنا اغلب آن را در کنده‌کاری‌های مقبره‌های سده‌های میانه، در پیش پای زنان ترسیم کرده‌اند؛ همان‌گونه که شیر وابسته به جنس مرد و نماد ارزشمند بودن است» (سرلو، ۱۳۸۹: ۴۸۳).

سگ بهمنزله نگهبان گله و خانه و نیز یاریگر در شکار و... دست‌مایه تصویرسازی‌های زیادی در فرهنگ عامه بوده و به‌ویژه در مثل‌های فارسی نمود یافته است. در مثل‌های زیر نقش کاربردی سگ را در تصویرسازی‌های متنوع می‌بینیم؛ اگرچه الزاماً حالتی نمادین ندارند.

* اگر به نگاه کردن می‌شد یاد گرفت سگ قصاب می‌شد (۴۲۵).

* سگی که پارس می‌کند گاز نمی‌گیرد (۳۲۴۰ و ۲۰۴).

۳-۱. شتر (نماد هیکل‌مندی، بزرگی و بدقوارگی)

شتر در ضربالمثل‌های کتاب بهمنیاری ۴۸ بار تکرار شده و در ۳۰ مورد بیانگر تصویری نمادین است. شتر نماد درشت‌اندامی، هیکل‌مندی و گاه از همین منظر نشان بدقوارگی و بدترکیبی است. در ضربالمثل‌های زیر کاربرد نماد جانوری علاوه بر اینکه مفهومی انتزاعی را ملموس کرده به‌نوعی از صراحة و تندی کلام که ممکن است باعث رنجش مخاطب شود، می‌کاهد.

* مگر شتر به شیشه می‌کنند (۴۹۶۵).

* شتر را با ملاقه آب می‌دهد (۳۳۸۵ و ۱۰۵۰).

شتر در بعضی ضربالمثل‌ها بهمنزله انسان‌های بزرگ و صاحب‌مقام و ثروت هم به کار رفته است؛ بزرگانی که هم‌نشینی با آنان ممکن است آدمی را دچار زحمت و سختی کند.

* دمش را به دم شتر بسته است (۲۵۸۳ و ۵۶۴۵).

شتر به دلیل هیکل ناساز و بدقوارگی اش نمادی برای عدم تناسب شده است. در مثل‌های زیر تصویرهایی نمادین از بی‌تناسی و ناسازواری با بهره‌گیری از بدقوارگی شتر ساخته شده است. بهره‌گیری از شیوه مخاطبه و گفت‌و‌گو در ضرب المثل‌های زیر به تأثیر کلام افزوده است.

* به شتر گفتند: گر دنت کج است، گفت: کجا یم راست است؟ (۱۰۶۳ و ۲۶۰).

یه همین سب انجام کارهای ظریف و هنری از شتر نمی توان انتظار داشت:

* شتر را چه به علاقه‌بندی (۳۳۸۸).

در ضربالمثلهای بسیاری هم شتر دست‌مایه تصویرسازی‌های متفاوت شده است که اگرچه بیانگر نمادی نیست؛ ولی حکایت از نقش مؤثر این حیوان در زندگی و ذهن و زبان مردم دارد.

* چشم شور، شتر را به دیگ می‌کند و آدم را به گور (۱۸۰۵ و ۳۳۹۵).

۴-۱-۳. گاو (نماد حماقت و بزرگی)

گاو ۳۷ بار در ضرب المثل های کتاب بهمنیاری به کار رفته است و در نه مورد مفهومی نمادین دارد. گاو مانند خر گاهی، نماد حماقت و بی‌لیاقتی است.

* گاوی که سزای کاه باشد
کنجد دهی اش گناه باشد
(۴۳۲۷).

* گاؤ لو زنہ یہ داند (۴۳۲۶).

از این منظر گاو و خر در نگاه مردم هم قطار به شمار می‌آیند. در مثل‌های زیر به هم‌نشینی گاو و خر اشاره شده است و بهره‌گیری نمادین از آن‌ها به‌سبب ایجاز در بیان مفاهیم پر تأثیر کلام افزوده است.

* گاوان و خران بار بردار
بـه زـادمـیـان مـردم آـزار
(۱۴۶۶ و ۴۳۱۴).

گاو نماد بزرگی هم هست بهویژه وقتی که مقدار گوشتیش با گوشت گنجشک مقایسه شود.

تحلیل کارکرد نمادهای جانوری در ضربالمثل‌های فارسی... علیرضا حاجیان‌نژاد و همکار

* چهل گنجشک با زاق و زوتش نیم من است گاو بکش که تای رانش یک من است (۱۸۹۳ و ۵۰۸۹).

۳-۱-۵. اسب (نماد مقام و مرتبه و برتر)

اسب ۲۸ بار در ضربالمثل‌ها به کار رفته است و فقط در چهار مورد نماد مقام و مرتبه برتر است. در مثل‌های زیر واژه نمادین «اسب» در عین کوتاهی مفاهیم گسترده‌ای از اصالت، مقام و رتبه والای خانوادگی، سابقه درخشنان کاری و بسیاری مفاهیم مثبت دیگر را به ذهن متبار می‌کند و با کاربرد آن هم کلام مؤجز شده و هم مفهومی انتزاعی، تجسم عینی یافته است.

* از اسب پیاده نشده و بر خر سوار شده (۱۷۹).

* از اسب افتاده از اصل نیفتاده (۱۷۸ و ۷۶۳).

اسب در تصویرهای دیگر به کار رفته در ضربالمثل‌ها بیانگر صفات مثبت و پسندیده است و از جانوران محبوب در نزد مردم به شمار می‌رود و این برداشت از نظر اجتماعی و روانی مهم است، چون در میان حیوانات اهلی با شعورتر تلقی می‌شود. در کتاب فرهنگ سمبل‌ها، اساطیر و فولکلور هم معانی سمبلیک مثبتی مثل سرعت، فهم و شعور، ثروت و موفقیت به اسب نسبت داده شده است (جائز، ۱۳۹۷: ۲۲).

* اسب نجیب را یک تازیانه بس است (۲۳۱).

* یار قدیمی اسب زین‌کرده است (۵۹۱۸ و ۲۶۳۶).

۳-۱-۶. گربه (نماد حقارت، فرصت‌طلبی و بی‌حیایی)

گربه در زندگی ستی ایرانی حضور دارد و برای دفع مضرت موش مهم است؛ ولی در ضربالمثل‌های فارسی نماد حقارت، طمع‌ورزی، فرصت‌طلبی و بی‌حیایی است. در نمونه زیر ضعف و حقارت گربه به تصویر کشیده شده است و در آن‌ها بهره‌گیری از نماد «گربه» از صراحت و تندي مفاهیم ضعف و حقارت کاسته است و با القای نوعی بیان طنزآلود، انتقال مفهومی گزنده را تلطیف کرده است.

* خیز گربه تا در کاهدان است (۲۳۲۰).

- * از دعای گربه سیاه باران نمی بارد (۴۳۶۷، ۳۳۶۷ و ۴۳۶۱).
- * در نمونه های دیگر گربه نمادی برای خیانت، فرصت طلبی و بی حیایی است.
- * گربه را دنبه سپردن ابله است (۲۵۹۵).
- * گربه مسکین اگر پر داشتی تخم گنجشک از زمین برداشتی (۴۳۷۰ و ۲۴۰۳).
- * گربه گاه در ضربالمثل ها دست مایه تصویرسازی می شود و به ویژه به سبب دشمنیگی که بین آنان است در تقابل با سگ یا موش قرار می گیرد.
- * مثل سگ و گربه دست و پای هم را می جوند (۴۷۱۵ و ۵۱۴۸).

۳-۱-۷. بُز (نماد ضعف و عدم توانایی و ناشایستگی)

بُز از قدیم ترین نمادهای حیوانی به کار رفته در متون ادبی ایرانیان است. «در داستان «درخت آسوریک» در مقابل درخت نخل، نماد گیاهی، بُز قرار دارد که نماد حیوانی این داستان کهن است» (محمودی و الیاسی، ۱۳۹۶: ۵۸).

- * خرمن کوفتن کار بُز نیست (۲۱۹۸).
- * یک بُز گر گله را گر می کند (۵۹۴۶ و ۵۲۹).

۳-۱-۸. گوسفند / میش (نماد رعیتِ مظلوم)

* شبان خفته و گرگ در گوسفند (۳۳۳۲).

۲-۳. حیوانات غیراهلی

حیوانات غیراهلی اگرچه در تعاملی روزانه و مداوم با انسان نیستند؛ ولی به دلیل بعضی ویژگی های خاص و منحصر به فردشان، در ضربالمثل ها جایگاهی به خود اختصاص داده اند. عame مردم برای بیان افکار و اندیشه های خود از ویژگی های برشاخته حیوانات غیراهلی در ضربالمثل ها بهره جسته اند و تعدادی از آنان را نماد ویژگی هایی خاص قرار داده اند.

تحلیل کارکرد نمادهای جانوری در ضربالمثل‌های فارسی... علیرضا حاجیان‌نژاد و همکار

از حیوانات غیراهمی ۱۷ جانور در ضربالمثل‌های کتاب بهمنیاری حضور دارند و نام آن‌ها در مجموع ۱۹۷ بار تکرار شده و از این تعداد در ۱۳۲ مورد تصویری نمادین ساخته شده است.

۱-۲-۳. شیر (نماد قدرت، شجاعت و اصالت)

شیر در تمامی ۳۵ مورد به کار رفته در ضربالمثل‌های کتاب بهمنیاری کاربردی نمادین دارد و در همه موارد نماد قدرت و شجاعت است. چنین تصوری از شیر در شعر و ادبیات هم کاملاً باز است. دمیری کتاب حیوه‌الحیوان را بدون رعایت ترتیب حروف با نام شیر شروع می‌کند و می‌نویسد: «با این حیوان شروع کردیم؛ زیرا اشرف حیوانات وحشی است. به خاطر شجاعت، قساوت و شهامت شیر جایگاه آن در میان جانوران، جایگاه پادشاه باهیبت است» (دمیری، ۱۴۲۴/۱۰). در نمونه‌های زیر تقابل شیر و حیواناتی مانند شغال و رویاه که نماد بُزدلی و جُبن هستند، ویژگی قدرت و شجاعت شیر را بارزتر می‌کند.

* چو بیشه شود خالی از نره شیر
شغالان در آیند چست و دلیر
(۱۸۴۳).

* شیری یا روباه (۳۴۸۳ و ۳۴۷۰).

شیر به دلیل شجاعت و قدرت دارای اصالت و شرافت هم انگاشته می‌شود، بنابراین نماد انسان‌های اصیل و نژاده است که باید قدر مقام و موقعیت خود را بداند.

* شیر امیری، سگ دریان مباش (۳۴۶۴).

* شیر نیم خورده سگ را نمی‌خورد (۳۴۷۶).

در نمونه‌های زیر هم به طور غیرمستقیم قدرت و کفایت شیر مورد توجه قرار گرفته است. در نمونه اول کفایت زن اگرچه شجاعت شیر را داشته باشد، انکار شده و در نمونه دیگر قدرت تجربه از قدرت شیر برتر شمرده شده است.

* زن، زن باشد اگرچه شیر است (۳۰۰۴).

* در هم شکند صولت شیری پیری (۲۴۵۳).

۲-۲. مار / افعی (نماد شرارت، بذاتی و آسیب‌رسانی)

واژه‌های مار و افعی ۳۵ بار در ضربالمثل‌های کتاب بهمنیاری به کار رفته و در ۲۱ مورد نماد دشمن شریر و بذات و آسیب‌رسان است. مار در مثل زیر که نیشش دردآور و کشنده است به زیبایی مفهوم انتزاعی و نمادین شرارت و آسیب‌رسانی را تجسم عینی می‌بخشد.

* ماری تو که هر که را ببینی بزنی (۴۶۲۸).

مار در مثل‌های زیر هم نمادی است که با ایجاز، مفاهیم گسترده‌ای را آینگی می‌کند. شخص بذاتی که مورد اعتماد قرار می‌گیرد و دشمنی که غیرمستقیم کترول و مقهور می‌شود.

* مار را توی آستینت راه مده (۴۶۱۸).

* مار به دست دیگران می‌گیرد (۴۶۰۹، ۴۶۱۹ و ۲۵۸۸).

افعی هم که مار بزرگ و هیکل‌مند است در ضربالمثل‌ها به مثابه نمادی برای نهایت شرارت و آسیب‌رسانی و بی‌پروایی به کار رفته است.

* از بس مار خورده افعی شده (۱۹۹).

۲-۳. گرگ (نماد شرارت، ظلم، طمع ورزی و خیانت)

گرگ ۳۳ بار در ضربالمثل‌ها به کار رفته و در ۲۲ مورد بیانگر تصویری نمادین است. گرگ گاهی نماد دشمن شریر و شخص ظالم و خون‌ریز است. در مثل‌های زیر نماد حیوانی گرگ مفاهیم گسترده و انتزاعی فراوانی مانند درندگی، طمع‌کاری، حیله‌گری و ریاکاری را در خود خلاصه کرده است.

* شبان خفته و گرگ در گوسفند (۳۳۳۲).

* توبه گرگ مرگ است (۱۵۹۷، و ۳۶۶۲ و ۴۴۰۷).

«در ادبیات عرفانی، گرگ را نماد حسادت، حرص و آز، مردم گرفتار نفس، دشمن قهار، جهالت و طمع ورزی قرار داده‌اند» (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۶۲). از همین دیدگاه گرگ گاهی نماد بلایی عظیم است و بهویژه آنگاه که در تقابل با گله می‌آید.

* گرگ که به گله زد وای بر آن کس که یک بز دارد (۴۴۰۲).

۳-۲-۴. خرس (نماد نادانی، بی‌هنری و نااهلی)

خرس ۱۲ بار در ضربالمثل‌های کتاب بهمنیاری تکرار شده است. در هشت مورد نماد از نادانی، بی‌هنری و نااهلی است. گر ترود جائز هم به معانی سمبولیک ناشی‌گری و دوست بی‌تجربه و ناشی بودن خرس اشاره کرده است (جائز، ۱۳۹۷: ۳۶). در مثل‌های زیر نماد حیوانی «خرس» در کاربردی طنزآلود به جذابیت و تأثیر القای پیام افزوده است.

* روس‌تایی اگر ولی بود خرس در کوه بوعالی بود.
(۲۸۶۹)

* خرس را چه به آهنگری (۲۱۷۵).

* دوستی‌اش به دوستی خاله‌خرسک می‌ماند (۲۶۶۱ و ۲۱۷۳). در نظر مردم عامه «خرس» ازجهت نااهلی و بی‌مغزی همتای «کفتار» دانسته و با آن مقایسه می‌شود.

* میراث خرس به کفتار می‌رسد (۵۱۲۹ و ۷۴۳).

در ضربالمثل

* از خرس مویی کندن غنیمت است (۲۳۱).

خرس گویا نمادی برای بخیل بودن درنظر گرفته شده و در ضربالمثل زیر هیکل-مندی نماد همراه با نوعی تمسخر نسبت به بازیچه قرار گرفتن خرس در سیرک موردنظر بوده است.

* خرس را به رقص آورند دم بش و به دست آورند.
(۲۱۷۴)

۳-۲-۵. فیل (هیکل‌مندی، بزرگی و قدرت)

فیل در هفت مورد از ۱۲ مورد به کاررفته در ضربالمثل‌های کتاب بهمنیاری نماد هیکل‌مندی، بزرگی و قدرت است و به نظر می‌رسد، درشت‌اندامی او بیشتر از هر چیز دیگری در مثل‌ها مورد توجه بوده است.

* فیل را با ملاقه (چمچه) آب می‌دهد (۳۹۵۰).

* فیل و فنجان! (۳۹۵۲، ۳۱۲۳ و ۵۹۳۵).

در بعضی از ضربالمثل‌ها فیل نقشی نمادین ندارد و تنها دست‌مایه تصویرسازی شده است.

* فیل خوابی می‌بیند و فیل‌بان خوابی (۳۹۴۹).

* فیلش یاد هندوستان کرده است (۳۹۵۳).

۲-۶. موش (نماد محاط بودن، جاسوسی و نجاست)

موش ۱۲ بار در ضربالمثل‌ها به کار رفته است؛ ولی در سه مورد ذیل به نظر می‌رسد که با آن تصاویری نمادین برای احتیاط زیاد، جاسوسی و نجاست ساخته شده است. نوع زیست موش در لانه‌های تودرتو و رفت‌وآمد محاطانه‌اش تصویری از احتیاط و رازآمیزی زندگی جاسوسان را به ذهن متبار می‌کند و تلقی نجاست از این جانور ناشی از تعالیم فقهی اسلام است.

* جایی است که موش هم با عصا راه می‌رود (۱۶۷۷).

* دیوار موش دارد موش هم گوش دارد (۲۷۳۱).

* موش توی چاه آدم وسوسی می‌افتد (۵۰۶۳).

در مواردی هم موش تنها دست‌مایه تصویرسازی قرار گرفته است.

* موش به لانه‌اش می‌رفت جارو به دمش می‌بست (۵۰۶۲).

۲-۷. روباه (نماد حیله‌گری، طمع‌کاری، ضعف و ناکامی)

روباه ۱۰ بار در ضربالمثل‌های کتاب بهمنیاری به کار رفته و در شش مورد نماد است. نماد حیله‌گری، طمع‌کاری و دغل‌کاری. بنا به نظر نویسنده کتاب فرهنگ جانوران در ادب فارسی «قدیم‌ترین حیوانات ثبت‌شده در ادبیات فارسی، روباه است» (عبداللهی، ۱۳۸۱: ۷۶) و استناد او به داستانی از دو هزار سال پیش با زبان سعدی است که از زبان مانی در دوره اشکانیان نقل شده است و روباه در آن نقش حکیمی را به‌عهده دارد.

* روباه به باغ کاه‌گلی وارد نمی‌شود (۲۸۴۵).

* روباه به دو دست در تله می‌افتد (۲۸۴۶ و ۲۸۴۷).

تحلیل کارکرد نمادهای جانوری در ضربالمثل‌های فارسی... علیرضا حاجیان‌نژاد و همکار

روباه آنگاه که در تقابل با شیر قرار می‌گیرد نmad ضعف و ناکامی است.

* شیری یا روباہ (۳۴۸۳).

که شیر ژیان را رساند گزند * سگ کیست روباہ نازورمند
(۳۲۳۰).

۲-۲-۸. ماهی (نماد سود و منفعت)

ماهی در سه مورد از دوازده مورد به کاررفته در ضربالمثل‌های کتاب بهمنیاری بیانگر تصویری نمادین از سود و منفعت مادی است. ماهی گرفتن نوعی صیادی کم‌هزینه با سود سرشار است. منفعتی که انسان به رایگان از آب به چنگ می‌آورد و در تعابیر عامه هست که مثلاً «فلان چیز را از آب که نگرفته‌ام»؛ یعنی فلان چیز را مجانی و به رایگان به دست نیاورده‌ام.

* ماهی را هر وقت از آب بگیری تازه است (۴۶۸۱).

* آب را گل می‌کند ماهی بگیرد (۲۹ و ۳۵۸۰).

۲-۲-۹. پلنگ (نماد درندگی، خونریزی و ستمگری)

پلنگ در شش مورد از نه مورد به کاررفته در ضربالمثل‌ها نmad درندگی، خونریزی و ستمگری است. در کاربرد نmad حیوانی «پلنگ» به ایجاز مفاهیم و تصاویر گسترده‌ای از چنگ و دندان و درنگی و بی‌رحمی و حتی شکل و شیوه شکار پلنگ هم‌زمان به ذهن مخاطب القا می‌شود و این امر بر تأثیر ضربالمثل می‌افزاید.

* ترجم بر پلنگ تیزدندان ستمکاری بود بر گوسفتدان (۱۴۹۹).

* پلنگ از زدن کینه و رتر شود (۱۳۲۱ و ۳۵۸۱).

۲-۲-۱۰. عقرب / کژدم (نماد خبث طینت و آسیب‌رسانی)

عقرب یا کژدم در هفت بار از هشت بار به کار رفته در ضربالمثل‌های کتاب بهمنیاری مانند مار نmad خبث طینت و آسیب‌رسانی است.

* خصمی کژدم بدتر از اژدهاست (۲۲۲۲).

* کژدم از خبث طبیعت بزند نیش به سنگ (۴۱۷۰ و ۵۴۱۴).

۱۱-۲-۳. شغال (نماد حقارت و نااھلی)

واژه شغال هفت بار در ضربالمثل‌ها به کار رفته است که در پنج مورد تصویری نمادین از حقارت و نااھلی را به ذهن مخاطب متابدر می‌کند.

* چو بیشه شود خالی از نرّه شیر شغالان در آیند چُست و دلیر (۱۸۴۳).

* سگ زرد برادر شغال است (۳۴۱۴).

* انگور خوب نصیب شغال می‌شود (۶۰۲).

۱۲-۲-۳. میمون (نماد فرومایگی، زشتی و نااھلی)

* باقلوا به بوزینه دادن، خریت است (۷۹۶).

* میمون هر چه زشت‌تر است بازی‌اش بیشتر است (۵۷۵۰).

* درودگری کار بوزینه نیست (۲۴۳۰).

۱۳-۲-۳. قورباخه (نماد انسان‌های نوکیسه و بی‌هنر)

* سنگ چرخ خاله قورباخه را گرو کشیده است (۳۲۵۶).

* آب که سربالا می‌رود، قورباخه شعر می‌گوید (۴۶).

۱۴-۲-۳. خرگوش (نماد چالاکی و باهوشی بودن)

* با این همه هوش چرا خرگوش نشدی (۷۲۶).

* با یک دویدن، خرگوش نمی‌توان گرفت (۱۲۱۴).

۱۵-۲-۳. خرچنگ (نماد انسان‌های از خود راضی)

* به خرچنگ گفتند: چرا کج راه می‌روی؟ گفت: جوانی است و هزار چم و خم (۸۹۳).

۳-۲. پرندگان

از میان پرندگان ۱۶ پرندگان در ضربالمثل‌های فارسی حضور دارند و در مجموع ۹۰ بار نام آن‌ها در ضربالمثل‌های کتاب بهمنیاری تکرار شده است. در ۳۸ مورد از این تعداد، پرندگان بیانگر تصویری نمادین هستند که در ادامه به تحلیل آن می‌پردازیم.

۳-۳. کلاع/ زاغ (نماد حقارت، منفور بودن و خبررسانی)

کلاع و زاغ در مجموع ۱۸ بار در ضربالمثل‌ها به کار رفته است و در هفت مورد بیانگر تصویری نمادین است. در مثل‌های زیر کلاع و زاغ نماد حقارت، ضعف و منفور بودن هستند. «عمر طولانی کلاع در اغلب فرهنگ‌ها معروف و زبانزد است و نیز مردارخواری و طبیعت فرویدین او» (یاحقی، ۱۳۸۹: ۶۰۳). همچنین «در ادبیات فارسی، غراب (کلاع) مظهر سیاهی و شومی و حذر کردن و کراحت منظر نیز معرفی شده است» (همان‌جا).

* هزار کلاع را کلوخی بس (۵۷۶۰).

* زیغم زد و زاغم زد پس مانده کلام زد (۳۰۲۸، ۳۲۳۰، ۶۰۰۰ و ...).
بچه کلاع هم در بعضی ضربالمثل‌ها در کمال زشتی بسیار محبوب مادر قلمداد می‌شود و برای بچه دوستی افراطی افراد مورد استفاده قرار می‌گیرد.

* کلاع از بچه خودش خوشگل تر نمی‌بیند (۴۲۱۵).

* بچه اول مال کلاع است (۸۷۳).

۳-۴. گنجشک (نماد ضعف، کوچکی و بی‌مقداری)

گنجشک/ چغوک ۱۸ بار در ضربالمثل‌ها به کار رفته است و در هشت مورد نماد ضعف، کوچکی و بی‌مقداری است. چنین نگاهی به گنجشک از آنجا نشئت می‌گیرد که گنجشک در میان پرندگانی که مردم کوچه و بازار با آن سروکار دارند، کوچکترین و ضعیفترین پرندگان است.

* گنجشک چیست که کله‌پاچه‌اش باشد (۴۴۶۹).

گنجشک در تقابل با عقاب و باز به کار می‌رود و ضعف و ناتوانی اش بیشتر مشخص می‌شود.
* به گنجشکی عقابی کی شود سیر (۱۱۱۴ و ۴۴۶۷).

۳-۳-۲. خروس (نماد زندوستی)

واژه خروس ۹ بار در ضربالمثل‌ها به کار رفته و در یک مورد نماد توجه به زن و خانواده‌دوستی است. در معانی سمبولیک خروس به مواردی مثل مواظبت و اصل مردانگی هم اشاره شده است (جابر، ۱۳۹۷: ۳۹) که مؤید این نگاه مردم عامه به خروس است.

* زن نگه داشتن را از خروس باید یاد گرفت (۳۰۱۰).
در باقی ضربالمثل‌ها خروس فقط دست‌مایه تصویرسازی قرار گرفته است و بیانگر تصویری نمادین نیست.

* در خراسان خروس مرغ نر است (۲۳۹۵).
* خروس عابدین رفته به هیزم (۲۲۰۱ و ۲۲۰۰).

۳-۳-۳. بلبل (نماد خوشآوازی)

بلبل و عندلیب در پنج مورد از هشت مورد به کار رفته در ضربالمثل‌ها نماد خوشآوازی است. جالب اینکه در فرهنگ مردم مشرق‌زمین هم نگاه مشابه به این نسبت به بلبل دیده می‌شود. بلبل «در ژاپن، خواننده شاد و منادی بهار» (جابر، ۱۳۹۷: ۲۷) تلقی می‌شود.

* دو بلبل بر گلی خوش‌تر نوازند (۲۶۲۲).
* می‌زنم چه بلبل که خرم بگذرد از پل (۵۱۳۲ و ۳۸۰۹).

۳-۳-۴. کبوتر / کفتر

کبوتر هشت بار در ضربالمثل‌های کتاب بهمنیاری به کار رفته و در هیج موردی به‌نهایی نماد واقع نشده است. در مثل‌های زیر «کفتر» مضاف‌الیه قرار گرفته است و در این صورت مفهوم دوروبی و نفاق را به ذهن مخاطب القا می‌کند.

تحلیل کارکرد نمادهای جانوری در ضربالمثل‌های فارسی... علیرضا حاجیان‌نژاد و همکار

* کفتر دو برجه است (۴۲۰۵).

* مثل کفتر امام رضا دانه از امام رضا می‌خورد توی خانه هارون می‌ریند (۴۷۲۹). در مثل زیر هم با قید مضاف واقع شدن در ترکیب «کبوتر کاظمین» و «کبوتر حرم» نماد عزیز و محترم بودن است (۴۷۲۷ و ۲۵۷۱).

آزار رساندن به حیوانات به‌ویژه در اماکن مقدس کاری بسیار ناشایست تلقی می‌شود و به همین سبب کبوتران اماکن مقدس مثل حرم امامان را مکانی امن برای خود می‌شناسند. کبوتر به‌تهابی در ادب فارسی به عنوان نماد پیک و قاصد به کار رفته و در مجموع پرنده‌ای خوش‌یمن و مبارک است.

۳-۳-۶. غاز (نماد چیزی بهتر و ارزشمندتر)

* مرغ همسایه غاز است (۴۸۵۲).

در مثل زیر هم از روغن غاز که کمیاب و گران‌بهاست به منزله یک روغن بهتر و ارزشمندتر از روغن‌ها و پمادهای معمولی یاد شده است که گاهی برای مداوا از آن بهره می‌گیرند و در اینجا یعنی خوش‌آمدگویی و تعريف و تمجید حریفش را می‌کند:

* روغن غاز به تن حریفش می‌مالد (۲۸۸۳).

۳-۳-۷. باز / شهباز (نماد بلندمرتبگی و ارزشمندی)

* طمع مدار که گنجشک کار باز کند (۲۶۴۴).

۳-۳-۸. طاووس (نماد مال و نعمت)

* هر که را طاووس باید جور هندوستان کشد (۵۷۰۲).

۳-۳-۹. طوطی (نماد خوش‌زبانی و پرگویی)

* طوطی ز زبان خویش در بند افتاد (۳۶۵۱).

در مثل زیر طوطی در تقابل جعد قرار گرفته است و یکی از وجوده افتراق آن دو می‌تواند خوش‌زبانی طوطی در برابر کم‌حرفی و صدای نامطلوب جعد باشد.

* طوطی با جحد در یک قفس، به هر دو ظلم است (۳۶۴۹).

۱۰-۳-۳. خفاش (نماد محروم بودن از آفتاب حقیقت)

* از همه محروم‌تر خفاش بود (۳۱۸).

۱۱-۳-۳. کبک (نماد تجاهل)

* مثل کبک سرش را زیر برف کرده و به خیالش کسی او را نمی‌بیند (۴۷۲۶).

۱۲-۳-۳. شتر مرغ (نماد بهانه‌گیری و نفاق)

* به شترمرغ گفتند: بپر. گفت: شترم. گفتند: بار ببر. گفت: مرغم (۱۰۶۲ و ۳۳۹۱).

۱۳-۳-۳. عقاب (نماد قدرت و بزرگی)

* آنجا که عقاب پر بریزد از پشۀ لاغری چه خیزد (۵۳۷ و ۱۱۱۴).

۱۴-۳-۳. بوقلمون (نماد دور رویی)

* مثل بوقلمون هر ساعت به رنگی می‌شود (۴۷۰۳).

۱۵-۳-۳. مرغابی (نماد عدم لیاقت و ناشایستگی)

* کدخدای شهر که مرغابی باشد، در آن شهر چه رسوایی باشد (۴۱۵۲).

۴-۳. حشرات

از بین حشرات ۱۲ مورد نمود بیشتری در ضرب المثل‌های کتاب بهمنیاری دارند و نامشان در مجموع ۵۷ بار تکرار شده است. از این تعداد در ۴۰ مورد با نام حشرات، تصویری نمادین ساخته شده است.

تحلیل کارکرد نمادهای جانوری در ضرب المثل‌های فارسی... علیرضا حاجیان‌نژاد و همکار

۳-۴-۱. مورچه (نماد ضعف و ناتوانی)

* در خانه مور شبیمی توفان است (۲۶۶۹).

* ارمغان مور پای ملخ است (۱۷۰).

مور در تقابل با سلیمان جدای از القای تصویر تلمیحی، بیانگر موجود بی‌بهره و ضعیف در برابر حاکم قوی و ثروتمند است.

* مور در خانه خود حکم سلیمان دارد (۵۰۵۷ و ۲۷۸۲).

۳-۴-۲. مگس (نماد مزاحمت و دردسرآفرینی و ضعف و ناتوانی)

در نگاه مردم کوچه و بازار مگس حشره‌ای است که جز مزاحمت و دردسرآفرینی کاری ندارد و هیچ سود و منفعتی از او به انسان نمی‌رسد.

* مردم اهل جهان چون مگسان عسلند (۴۷۹۷ و ۴۹۷۷).

گاهی مگس در تقابل با پرنده‌گان قوی مثل عقاب نماد ضعف و ناتوانی است.

* مگس کجا تواند که بیفکند عقابی (۴۹۸۰).

۳-۴-۳. پشه (ضعف و ناتوانی)

* آنجا که عقاب پر بریزد از پشه لاغری چه خیزد (۵۳۷).

* پشه و باد! (۱۳۱۴)

عمر کوتاه پشه هم حکایت از ناتوانی و ضعف او دارد.

* پشه کی داند که این باغ از کی است (۱۳۱۳).

۳-۴-۴. شپش (نماد حقارت و پستی)

* شپشش منیجه‌خانم است (۳۳۶۹ و ۱۷۸۹).

۳-۴-۵. کرم (نماد عیب ذاتی و درونی)

* کرم درخت از درخت است (۴۱۶۴ و ۴۱۶۳).

۳-۴-۶. ملخ (نماد کم ارزشی)

ملخ بهویژه در ترکیب پای ملخ و ران ملخ، نماد کم ارزشی و ناقابل بودن است.
* ارمغان مور پای ملخ است (۱۷۰، ۱۲۶۷ و ۵۴۹۹).

۳-۴-۷. زنبور (نماد آسیب‌رسانی)

نیش زنبور بارزترین ویژگی اوست و به همین دلیل زنبور نماد آسیب‌رسانی در ذهن مردم شده است. جالب اینکه تولید عسل نوعی از زنبور که از پشتونه اشارات قرآنی هم برخوردار است، هیچ جایگاهی در تصویرسازی نمادین مردم از این حشره نداشته است.

* دم لانه زنبور نشسته است (۲۵۸۷ و ۵۰۰۴).

۳-۴-۸. رتیل (نماد انسان‌های حسود و طماع و شرارت و قاتل بودن)

* روشن شدن چراغ و درآمدن رتیل (۲۸۷۵ و ۴۷۱۱).

۳-۴-۹. عنکبوت (نماد ضعف و ناتوانی)

* عنکبوتی کی تواند کرد سیمرغی شکار (۲۸۱۲).

۴. نتیجه

ضربالمثل‌ها آینه تمام‌نمای تجربیات، اندیشه‌ها، سلیقه‌ها و خلقیات مردم کوچه و بازار است که طی قرون و اعصار متمامی در بستر فرهنگ زبانی عوام شکل یافته است. بهره‌گیری از نمادهای استعاری و به شکل ویژه‌تر نمادهای جانوری که موضوع مقاله حاضر است، نقش مهمی در خلق تصاویر و القای مفاهیم در ضربالمثل‌های فارسی دارد.

در این پژوهش ضمن بررسی آماری ضربالمثل‌های کتاب بهمنیاری که درمجموع ۶۰۴۷ ضربالمثل است، مشخص شد که نام ۵۹ جانور در ۷۹۰ ضربالمثل به کار رفته است و از این تعداد، در ۴۳۷ مورد، ۴۲۳ حیوانات، حضوری نمادین دارند.

تحلیل کارکرد نمادهای جانوری در ضربالمثل‌های فارسی... علیرضا حاجیان‌نژاد و همکار

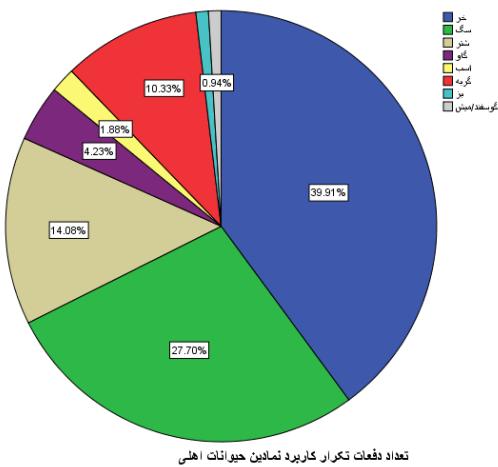
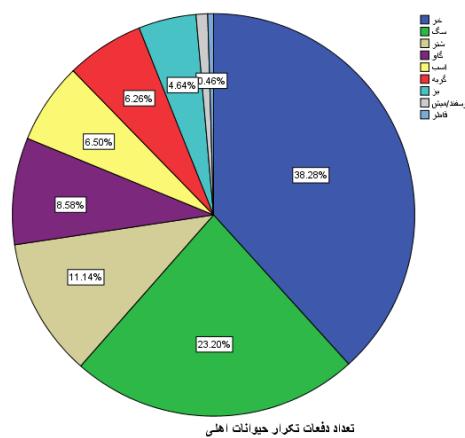
- از تحلیل مثل‌هایی که در آن‌ها نماد جانوری به کار رفته است این نتیجه حاصل شد که بهره‌گیری از نمادهای حیوانی در ضربالمثل‌ها به دلایل ذیل صورت می‌گیرد:
۱. عینیت بخشنیدن و ملموس کردن مفاهیم انتزاعی: کاربرد نماد جانوری گاهی به مفاهیم انتزاعی و دور از ذهن عینیت می‌بخشد و تجسمی ملموس به آن می‌دهد. برای مثال در ضربالمثل «دهن سگ به لقمه دوخته به» مفاهیم انتزاعی فراوانی مانند نجاست و فرومایگی و پستی و منفور بودن در واژه «سگ» عینیت و تجسم می‌یابد.
 ۲. جذابیت ضربالمثل‌ها: تلاش ذهنی مخاطب برای کشف مفهوم نمادین یک حیوان باعث نوعی التذاذ ادبی و درنتیجه، جذابیت ضربالمثل می‌شود. برای مثال در مثل «عنقا را به دام نتوان گرفت» تلاش ذهنی مخاطب برای مرور پیشینه اساطیری عنقا یا سیمرغ در داستان‌های عامیانه و حماسی و عرفانی و نهایتاً رسیدن به مفهوم غیر قابل دسترس بودن نوعی التذاذ ادبی و ذهنی را برای مخاطب به ارمغان می‌آورد و کلام را جذاب و دلنشیز می‌کند.
 ۳. ایجاز کلام: با بهره‌گیری از نمادهای جانوری گاهی مفاهیم گسترده‌ای که معمولاً در چند واژه و جمله به کار می‌رود، در نام یک حیوان خلاصه می‌شود. ایجاز از بارزترین ویژگی‌های ضربالمثل است و رعایت آن در ساختمان ضربالمثل‌الرامی است.
 ۴. پرهیز از صراحت لهجه و تلطیف کردن مفاهیم نیش‌دار، کاربرد نماد جانوری گاهی تندی و تیزی کلام را در کاربرد مفاهیم گزنده و نیش‌دار تلطیف می‌کند.

جدول ۱: بسامد و درصد حیوانات اهلی در داستان‌نامه بهمنیاری

تعداد تکرار در فرهنگ ضربالمثل - های فارسی ذوالفقاری	درصد تعداد دفعات کاربرد نمادین	تعداد دفعات کاربرد نمادین	درصد تعداد دفعات تکرار	تعداد دفعات تکرار	حیوانات اهلی
۳۲۰۳	۳۹/۹	۸۵	۳۸/۳	۱۶۵	خر
۲۲۸۹	۲۷/۷	۵۹	۲۳/۲	۱۰۰	سگ
۸۷۱	۱۴/۱	۳۰	۱۱/۱	۴۸	شتر
۱۴۴۴	۴/۲	۹	۸/۶	۳۷	گاو

سال ۸، شماره ۳۱، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۹
دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه

اسب	۲۸	۶/۵	۴	۱/۹	۹۰۳
گربه	۲۷	۶۳	۲۲	۱۰/۳	۸۲۰
بز	۲۰	۴۶	۲	۰/۹	۶۰۴
گوسفند	۴	۰/۹	۲	۰/۹	۲۹۷
قطار	۲	۰/۵	---	---	۱۲۶
کل	۴۳۱	۱۰۰	۲۱۲	۱۰۰	



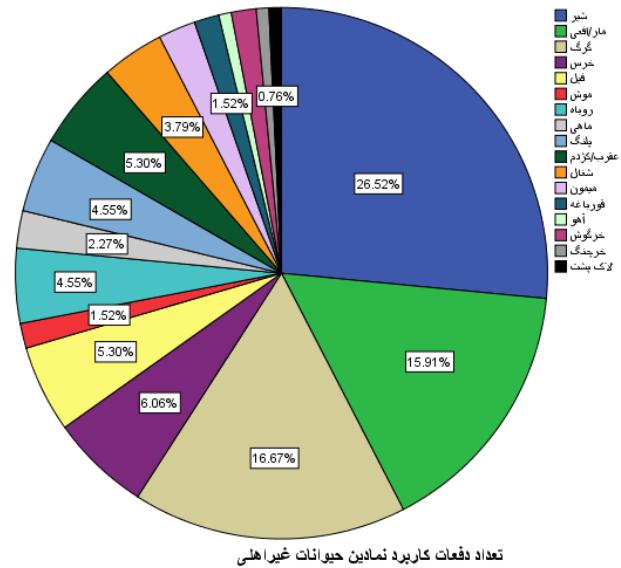
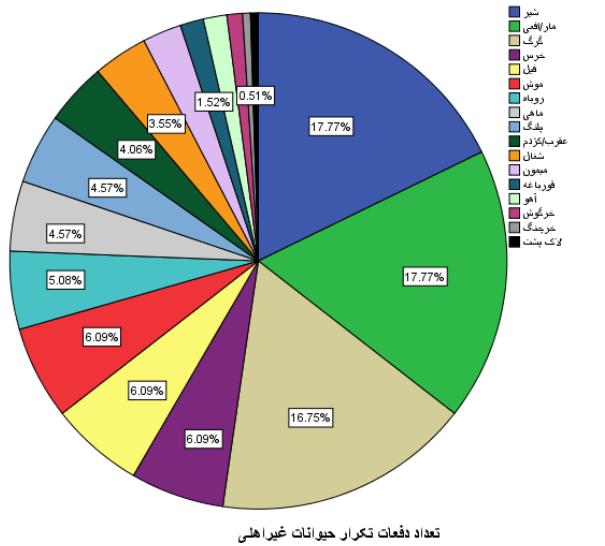
نمودار ۱: بسامد و درصد حیوانات اهلی در داستان‌نامه بهمنیاری

تحلیل کارکرد نمادهای جانوری در ضربالمثل های فارسی... علیرضا حاجیان نژاد و همکار

جدول ۲: بسامد و درصد حیوات غیراهمی در داستان نامه بهمنیاری

تعداد تکرار در فرهنگ ضربالمثل های فارسی ذوقهقاری	درصد تعداد دفعات کاربرد نمادین	تعداد دفعات کاربرد نمادین	درصد تعداد دفعات تکرار	تعداد دفعات تکرار	حیوانات غیراهمی
۹۵۹	۲۶/۵	۳۵	۱۷/۸	۳۵	شیر
۷۱۷	۱۵/۹	۲۱	۱۷/۸	۳۵	مار / افعی
۸۱۱	۱۶/۷	۲۲	۱۶/۸	۳۳	گرگی
۲۸۹	۶/۱	۸	۶/۱	۱۲	خرس
۱۵۰	۵/۳	۷	۶/۱	۱۲	فیل
۳۸۴	۱/۵	۲	۶/۱	۱۲	موش
۳۷۵	۴/۵	۶	۵/۱	۱۰	رویاه
۲۸۸	۲/۳	۳	۴/۶	۹	ماهی
۱۱۳	۴/۵	۶	۴/۶	۹	پلنگ
۷۴	۵/۳	۷	۴/۱	۸	عقرب / کژدم
۳۳۳	۳/۸	۵	۳/۶	۷	شغال
۴۰	۲/۳	۳	۲/۵	۵	میمون
۱۳۸	۱/۵	۲	۱/۵	۳	قریباغه
۱۳۳	۰/۸	۱	۱/۵	۳	آهو
۷۰	۱/۵	۲	۱	۲	خرگوش
۳۱	۰/۸	۱	۰/۵	۱	خرچنگ
۴۴	۰/۸	۱	۰/۵	۱	لاک پشت
	۱۰۰	۱۳۲	۱۰۰	۱۹۷	کل

سال ۸، شماره ۳۱، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۹
دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه

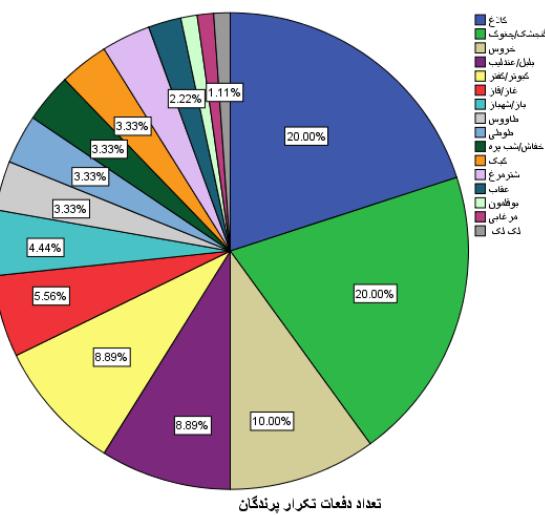
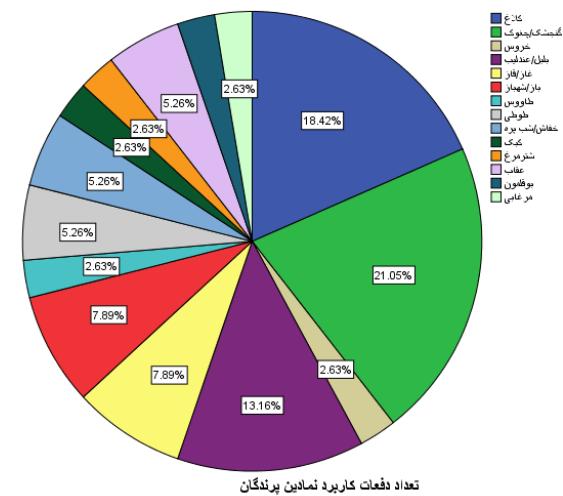


نمودار ۲: بسامد و درصد حیوانات غیراہلی در استان نامه بهمنیاری

تحلیل کارکرد نمادهای جانوری در ضربالمثل‌های فارسی... علیرضا حاجیان‌نژاد و همکار

جدول ۳: بسامد و درصد پرندگان در داستان‌نامه بهمنیاری

تعداد تکرار در فرهنگ ضربالمثل‌های ذوققاری	درصد تعداد دفعات کاربرد نمادین	تعداد دفعات کاربرد نمادین	درصد تعداد دفعات تکرار	تعداد دفعات تکرار	پرندگان
۳۴۵	۱۸/۴	۷	۲۰	۱۸	کلاع
۲۲۵	۲۱/۱	۸	۲۰	۱۸	گنجشک
۲۷۶	۲/۶	۱	۱۰	۹	خرس
۱۵۰	۱۳/۲	۵	۸/۹	۸	بلبل
۷۵	---	---	۸/۹	۸	کبوتر/کفتر
۳۰	۷/۹	۳	۵/۶	۵	غاز/قاز
۱۰۵	۷/۹	۳	۴/۴	۴	باز/شهباز
۵۱	۲/۶	۱	۳/۳	۳	طاووس
۲۸	۵/۳	۲	۳/۳	۳	طوطی
خفاش ۱۵ / شب پره ۱۲	۵/۳	۲	۳/۳	۳	خفاش/شب پره
۱۰۴	۲/۶	۱	۳/۳	۳	کبک
۱۱	۲/۶	۱	۳/۳	۳	شترمرغ
۳۱	۵/۳	۲	۲/۲	۲	عقاب
۵	۲/۶	۱	۱/۱	۱	بورقلمون
۲۷	۲/۶	۱	۱/۱	۱	مرغابی
لکلک ۶۹ / لق لق ۷	---	---	۱/۱	۱	لکلک(لق لق)
	۱۰۰	۳۸	۱۰۰	۹۰	کل



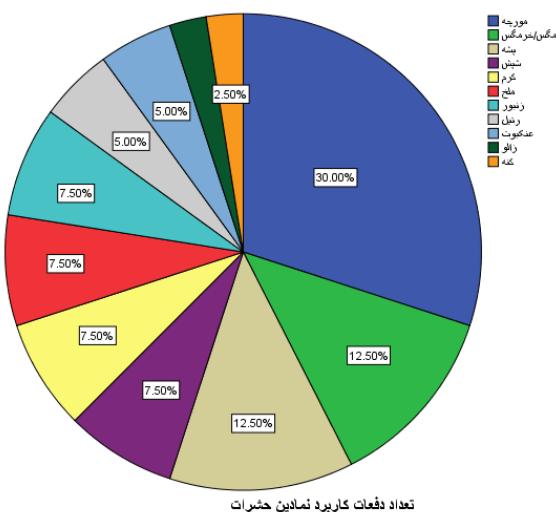
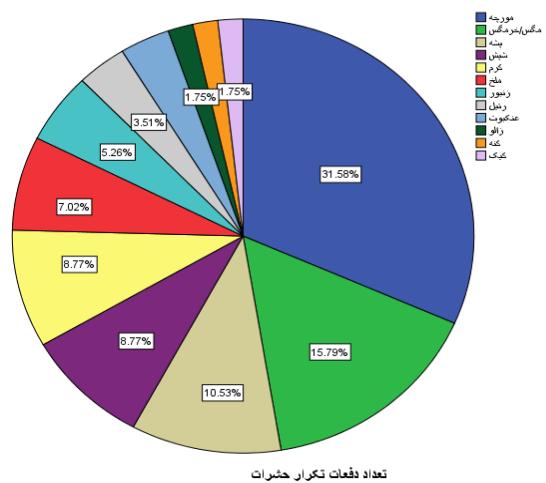
نمودار ۳. بسامد و درصد پرندگان در داستان نامه بهمنیاری

تحلیل کارکرد نمادهای جانوری در ضربالمثل‌های فارسی... علیرضا حاجیان‌نژاد و همکار

جدول ۴: بسامد و درصد حشرات در داستان‌نامه بهمنیاری

تعداد تکرار در فرهنگ ضربالمثل‌های فارسی ذوالفقاری	درصد تعداد دفعات کاربرد نمادین	تعداد دفعات کاربرد نمادین	درصد تعداددفعات تکرار	تعداد دفعات تکرار	حشرات
۱۵۷	۳۰	۱۲	۳۱/۶	۱۸	مورچه
۱۹۸	۱۲/۵	۵	۱۵/۸	۹	مگس
۱۴۰	۱۲/۵	۵	۱۰/۵	۶	پشه
۱۵۹	۷/۵	۳	۸/۸	۵	شپش
۱۳۶	۷/۵	۳	۸/۸	۵	کرم
۹۲	۷/۵	۳	۷	۴	ملخ
۱۰۳	۷/۵	۳	۵/۳	۳	زنبور
۱۰	۵	۲	۳/۵	۲	رتیل
۲۹	۵	۲	۳/۵	۲	عنکبوت
۱۲	۲/۵	۱	۱/۸	۱	زالو
۱۴	۲/۵	۱	۱/۸	۱	کنه
۲۴	----	----	۱/۸	۱	کیک
	۱۰۰	۴۰	۱۰۰	۵۷	کل

سال ۸، شماره ۳۱، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۹ دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه

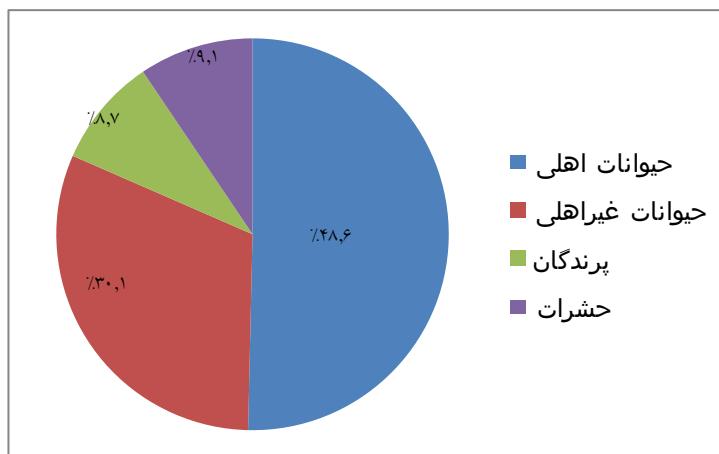
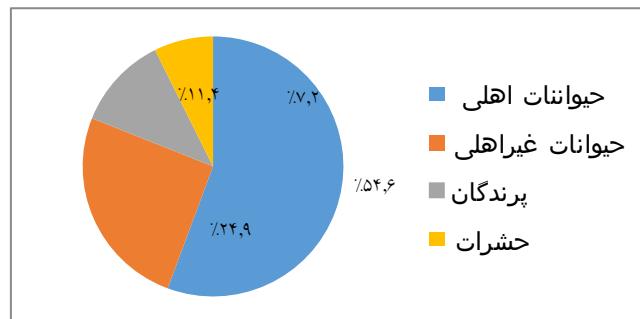


نمودار ۴: بسامد و درصد حشرات در داستان نامه بهمنیاری

تحلیل کارکرد نمادهای جانوری در ضرب المثل های فارسی... علیرضا حاجیان‌ژاد و همکار

جدول ۵: بسامد و درصد حضور جانوران در داستان نامه بهمنیاری

نوع جانوران	تعداد دفعات تکرار	درصد تعداد دفعات تکرار	تعداد دفعات کاربرد نمادین	درصد تعداد دفعات کاربرد نمادین
حیوانات اهلی	۴۳۱	۴۸/۶	۲۱۳	۳۰/۱
حیوانات غیراهلی	۱۹۷	۲۴/۹	۱۳۲	۸/۷
پرندگان	۹۰	۱۱/۴	۳۸	۹/۱
حشرات	۵۷	۷/۲	۴۰	۱۰۰
کل	۷۷۵	۱۰۰	۴۲۳	



نمودار ۵: بسامد و درصد حضور جانوران در کتاب داستان نامه بهمنیاری

پی‌نوشت‌ها

سال ۸، شماره ۳۱، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۹ دوامه‌نامه فرهنگ و ادبیات عامه

1. symbole
2. metaphoric
3. conventionl public

منابع

- احمدی، بابک (۱۳۷۱). از نشانه‌های تصویری تا متن. تهران: نشر مرکز.
- براهی، رضا (۱۳۸۰). طلا در مس. ج ۱. تهران: زریاب.
- بهمنیار، احمد (۱۳۶۱). داستان‌نامه بهمنیاری. تهران. انتشارات دانشگاه تهران.
- تقوی، محمد (۱۳۷۶). حکایت‌های حیوانات در ادب فارسی. تهران: روزنه.
- جابز، گرتروود (۱۳۹۷). فرهنگ سمبول‌ها، اساطیر و فولکلور. ترجمه محمدرضا تکاپور. تهران: انتشاران.
- حسن‌پور آلاشتی، حسین و بهروز آقابابایی روباری (۱۳۹۶). «نماد در غزل بعد از انقلاب اسلامی (با تأکید بر اشعار ده شاعر شاخص)». ادبیات پایداری. س ۹. ش ۱۶. صص ۴۱ - ۶۷.
- حسن‌لی، کاووس و ابراهیم اکبری (۱۳۸۶). «دوگانگی نگاه شاملو و سپهری به پدیده‌ای مشترک (پرنده - کلاح)». گوهنگ. د ۱. ش ۲. صص ۶۷ - ۸۲.
- دمیری، کمال الدین (۱۴۲۴ق). حیوه الحیوان الکبری. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۲). فرهنگ بزرگ ضرب المثل‌های فارسی. تهران: علم.
- رحیمی، امین و همکاران (۱۳۹۳). «نمادهای جانوری نفس در متون عرفانی با تکیه بر آثار سنایی، عطار و مولوی». متن پژوهی ادبی. س ۱۸. ش ۶۲. صص ۱۴۷ - ۱۷۳.
- سرلو، خوان ادواردو (۱۳۸۹). فرهنگ نمادها. ترجمه مهرانگیز اوحدی. تهران: دستان.
- سلاجقه، پروین (۱۳۹۰). «جستاری در چگونگی کارکرد نمادهای جانوران در اشعار صائب تبریزی و بیدل دهلوی». فصلنامه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی. ش ۲۱. صص ۱۲۱ - ۱۴۰.
- شاملو، احمد (۱۳۷۸). مجموعه آثار. تهران: نگاه.
- شریفی، محمد (۱۳۹۵). فرهنگ ادبیات فارسی معاصر. ویراستار محمدرضا جعفری. تهران: نشر نو.
- شمیسا، سیروس (۱۳۹۱). مکتب‌های ادبی. تهران: قطره.
- عبداللهی، منیژه (۱۳۸۱). فرهنگ‌نامه جانوران در ادب فارسی. تهران: پژوهندۀ.

تحلیل کارکرد نمادهای جانوری در ضربالمثل‌های فارسی... علیرضا حاجیان‌نژاد و همکار

- فتوحی، محمود (۱۳۸۵). *بلاغت تصویر*. تهران: سخن.
- محمودی، مریم و رضا الیاسی (۱۳۹۶). «نمادشناسی حیوانات در کتاب طربالمجالس». *متن‌شناسی ادب فارسی*. ش ۴ (پیاپی ۳۶). صص ۵۷ - ۷۰.
- یاحقی، محمد جعفر (۱۳۸۹). *فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی*. تهران: فرهنگ معاصر.
- یونگ، کارل گوستاو (۱۳۵۲). *انسان و سمبل‌ها*ش. ترجمه ابوطالب صارمی. تهران: امیرکبیر.

A Study on the Function of Animal Symbols in Persian Proverbs: A Focus on the Story of *Bahmanyari*

Alireza Hajian Nezhad *¹ Seyedeh Mozhgan Behzadian ²

1. Associate Professor of Persian Language and Literature, Tehran University.
2. Phd Candidate of Persian Language and Literature, Tehran University.

Received: 28/09/2019

Accepted: 22/02/2020

Abstract

Although proverbs have particular structure and meaning, some rhetoric features can enrich them and increase the range of their meaning potential. One of these features is symbol. This study aims to analyze the animal symbols in some proverbs. To this aim, some animal symbols in proverbs mentioned in *Bahmanyari* will be qualitatively and quantitatively analyzed. There will be some statistical data presented as well as some samples qualitatively investigated in which the name of animals is mentioned, namely, non/domestic animals, birds, and insects. The research method is descriptive-analytic and the sample analysis consists of 6047 proverbs extracted from *Bahmanyari*. The findings suggest that the frequency of the animal symbols ranges from 48.6% (the highest) for domestic animals to 8.7 (the lowest) for birds. Some reasons could be attributed to objectification of abstract concepts, aesthetic features of proverbs, brevity, avoiding direct expression, and euphemism.

Keywords: Proverbs; symbol; Bahmanyari; animal symbol.

*Corresponding Author's E-mail: hajiannjd@ut.ac.ir